



تا ظهور حضرت هم ادامه پیدا کند.

■ چه شد که امام حمایت کرد؟ آقای دکتر یزدی آن موقع وزیر امور خارجه بود. اومی گفت من رفتم پیش امام و امام گفت برو ببین اینها چه کسانی هستند و آنها را بریز بیرون. بعد ایشان زنگ می زند به آقای خوشنینی ها و اومی گوید که ما دوسه روز بیشتر در اینجا کار نداریم. امام چه دید که حمایت کرد؟

به نظر من آثار وضع شده که در مجموعه حمایت مردم، کنار رفتن دولت موقت و عکس العملی که امریکایی ها نشان دادند. یعنی بعد از تسخیر لانه به جای اینکه بیایند و عذرخواهی کنند، شاه را برگردانند یا تغییر رویه بدهند، همچنین مخالفت خودشان با امام و انقلاب را علنی کردند، چون قبل از آن هم خوب نبودند، فقط علنی نشده بود. امام هم اصل مبارزه، ایستادگی و مقاومت بود و کسی نبود که صحنه را ترک کند. امام در دهه ۴۰ و سال ۴۲ که تنها بود، در ۱۵ خرداد یک تنه در برابر رژیم ستمشاهی ایستاد و عدول نکرد. تبعید شد اما عدول نکرد. امام چه آن روزی که روی دست میلیون ها نفر وارد کشور شد، چه آن روزی که پیکر پاکش بدرقه شد، چه آن روزی که داشت با هواپیما می آمد و احتمال زدن آن هواپیما بود، جز با خدا و مردم عهدی نداشت و روی حرف خودش ایستاده بود. به نظر من باز کردن دولت موقت و از زیر بار مسئولیت ها شانه خالی کردن و جنگ طلبی امریکا باعث شد که امام فرمودند خوب جایی را گرفته اید. نگهش دارید. این پیغامی بود که به ما رسید و دقیقاً خودشان با تعبیر انقلابی بزرگتر از انقلاب اول این حرکت را تأیید کردند و محکم به میدان آمدند. وقتی امام آمدند، دانشجوی پیرو خط امام هم که طبیعتاً باید از امام تبعیت می کرد.

■ چه شد که ۴۴ روز طول کشید؟ نمی شد زودتر جمعش کنید؟

به نظر من برای ما هم غیرمنتظره بود و برمی گشت به رفتار خلاف عقل و مصلحت و منافع امریکا. یعنی امریکا انتظار داشت ما کوتاه بیاییم، ما هم انتظار داشتیم امریکا از کار ناحقی که کرده و چتر حمایت خود را روی سر شاه و خاندان پهلوی پهن کرده، عذرخواهی می کرد. ماجرای خیلی پیچیده ای نبود و ضرورت هم نداشت که این قدر طولانی بشود. اولاً دیکتاتوری را که ملت بیرون کرده بودند، می خواستند برگردانند و ثانیاً از حمایت هایش عذرخواهی کند. وقتی چتر حمایتش را روی سر شاه گرفت، خودش را در معرض خشم ملت ایران قرار داد. ملت هم شوخی نداشت و ایستاد و تا جایی پیش رفت که دیگر قضیه از خاصیت افتاد و توانست رئیس جمهوری به نام کارتر را تا روزهای آخر به ذلت بکشاند و انتخاب هم نشود. بعد که دیگر نگه داشتن گروگان ها خاصیتی نداشت، آزادشان کرد. گروگان ها وقتی آزاد شدند که کارتر رفت و ریگان وارد کاخ ریاست جمهوری شد.

■ یعنی این ۴۴ روز از سربو عقلی های امریکایی ها بود.

از اول این بود. همین الان هم همین طور است. در دوران دفاع مقدس با تمام نیرو آمدند. در منطقه نگاه کنید چگونه از جانیانی مثل آل سعود یا غیر مستقیم از داعش و دست پروردگان خودشان حمایت می کنند. امریکا اگر راه آشتی یا ملت ها و راه عدم مداخله در کشورها را در پیش بگیرد و چپاولی که می کند به اندازه خودش باشد، چون نمی تواند چپاول نکند، ولی اگر چپاول از حد گذشت، توقع دارد کسی به او اعتراض نکند و در مقابلش نایستد؟ یا با او همراهی کند؟ آثاری که امریکا در ملت ها دارد، باعث شده که منفور ملت ها باشد. حالا یک سری حاکمان وابسته در جاهای مختلف یا از ترس یا از سر طمع همراهی یا سکوت می کنند.

ملت ایران انقلاب کرده بود که روی پای خودش بایستد و اختیار خودش را داشته باشد. یک کسی در این میان باید عذرخواهی کند. ما که کاریدی نکرده بودیم. انقلاب کرده بودیم و می گفتیم استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. ما خودمان می خواهیم برای خودمان تصمیم بگیریم، ولو تصمیمات ما هم بعضاً غلط باشند. آقا بالا سر نمی خواهیم. می خواهیم آقا باشیم. اصل این انقلاب و نهضتی که توسط مردم و امام صورت گرفت برای این بود که می خواستیم آقای خودمان باشیم و تصمیم بگیریم. منابع مان را خودمان حفظ کنیم. ممکن است هزاران مشکل داشته باشیم، ولی حداقل آقایانی مان را داریم و روی پای خودمان ایستاده ایم. ما در این نظام دهکده جهانی، کدخدایی امریکا را نپذیرفتیم و نمی پذیریم و نه فقط کدخدایی امریکا بلکه کدخدایی هیچ کس را نمی پذیریم.

■ این قضیه ۴۴ روز طول کشید و امام هم فرمود مثل میوه ای بوده که آتش را گرفتیم و تقاله هایش را به شما پس دادیم.

آثار خودش را داشت. تسخیر لانه جاسوسی نه ۴۴ روز، حتی اگر چند روز و چند هفته هم طول می کشید، آثار خودش را داشت. مهم این است که در دنیا تبدیل به الگویی شد که نشان داد می توان در برابر امریکا ایستاد. اگر تسخیر لانه جاسوسی نبود، اگر دفاع مقدس و پایمردی و ایستادگی انقلاب اسلامی و مردم ایران نبود، در لبنانی که اسرائیل تا بیروت رفت و آنجا را گرفت و عرفات و دوستانش را سوار کشتی کرد و به شمال آفریقا فرستاد و خیلی قدر قدرت، لبنان را اشغال کرد ببینید الان با چه ذلتی بیرون رفت و سال هاست که می خواهد اندکی برگردد و نمی تواند و حتی از پس غزه ای که از زمین و زمان آن را محاصره کرده است نیز بر نمی آید. ابر قدرت های مرسوم دنیا چندین سال است که نتوانسته اند کاری را که اراده کرده اند در منطقه انجام بدهند. نه در افغانستان، نه در عراق، نه در سوریه، نه در یمن، نه در لبنان. اینها از کجا آمد؟ مگر مردم منطقه جرأت داشتند روی منافع شان تکیه کنند؟ یمن را نگاه کنید. آیا از لحاظ اقتصادی بدبخت تر و بیچاره تر از یمن در کشورهای اطراف می توانید پیدا کنید؟ هیچ چیزی برای از دست دادن ندارد، ولی عربستان به نیابت از امریکا دارد آنجا را شخم می زند. حالا ایستاده اند. این از کجاست؟ غیر از تکیه به انقلاب اسلامی است؟ غیر از تکیه بر درس های عاشورایی امام حسین (ع) یا اهل بیت (ع) است؟ حالا شما دائماً بالای منبر و در سخنرانی ها از این چیزها حرف بزنید. تا وقتی که بروز و ظهور بیرونی پیدا نکرده فایده ندارد. قضیه لانه جاسوسی را فقط در داخل کشور و در مسیر تحولات تاریخ معاصر خودمان ببینید، بلکه در تحولات منطقه و دنیای معاصر ببینید. حتماً تأثیر داشته است.

■ کار تر همه کاری می خواست بکند.

مجبور شد. نمی خواست. چون اگر می خواست که به طبس حمله نمی کرد. ناچار شد. شن های کویر هم علیه آنها وارد عمل شدند. ۴۴ روز طول کشید و بعد امام وظیفه را به عهده مجلس گذاشت تا بر روند مذاکره با امریکا نظارت کند. در سال های ۵۸ و ۵۹ ما تازه قانون اساسی را تصویب کرده بودیم و نهادهای حاکمیتی تازه داشتند شکل می گرفتند. تا وقتی که شورای انقلاب بود، امام کارها را به عهده شورای انقلاب گذاشته بود و ادامه نیز داشت. ولی وقتی که نهادها شکل گرفتند، مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم قرار شد طبق امر امام قضیه را مدیریت کند.

■ بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟

دولت وقت تصمیم گرفت مذاکراتی را صورت بدهد و تبادلاتی انجام بگیرد. در اینجا دیگر دانشجویان چه در تصویب رهاسازی گروگان ها و چه در تعیین شرایط، هیچ تصمیم و نظری نداشتند و وقتی امام تصمیم گیری را به مجلس واگذار کردند، کاملاً تابع بودند.

قبل از بیانیه، البته این آزادسازی به طور تدریجی صورت گرفت. در همان روز اول در اقدامی که انجام شد زن ها و سیاه پوست ها آزاد شدند. یکی دو جا هم از دست در رفت و یکی دو نفر از مأموران CIA در رفتند و بعداً خاطر اتشان را نوشتند، ولی این آزادسازی یکباره انجام نشد، ولی در ابتدا برای اینکه حسن نیت نشان داده شود، زن ها و سیاه پوست ها آزاد شدند. کار مرحله به مرحله انجام شد، مهم رساندن این پیام بود که ما با مردم امریکا خصومت نداریم. با غیر جاسوس ها خصومت نداریم. اگر گفتیم مرگ بر امریکا، منظور ما مرگ بر سیاست ها و دولت جانر امریکا بوده است. مرگ بر این اقدامات ظالمانه بوده است، والا ما با مردم امریکا مشکلی نداشتیم، نداریم و نخواهیم داشت.

■ آقای بهزاد نبوی رفت و مذاکراتی را انجام داد، اما مذاکرات خوبی نبود و امریکا عملاً به ایران هیچ چیزی نداد و گروگان ها را هم گرفت.

من در بحث بیانیه الجزایر و مذاکرات خیلی ورود ندارم. مطالعه هم در این زمینه ندارم. همان موقع هم خیلی این موضوع را دنبال نکردم. الان هم انگیزه چندانی برای دنبال کردن ندارم. این موضوعات فرع بر اصل اشغال لانه جاسوسی هستند.

■ دانشجویان نتیجه ای را که می خواستند گرفتند؟

ما نتیجه مان را همان ساعت ها و روزهای اول گرفتیم. عکس های آن روز را ببینید. تفنگداران امریکایی با آن قد و هیکل وید و بیضا،

در مقابل چهار تاجوانی که هیچ کدام از این دوره ها را ندیده بودند، دست هایشان را بالا برده و تسلیم شدند. شاید بعضی از دوستان بعدها آموزش هایی را دیدند، ولی روزهای اولی که رفتند، همه دانشجویان عادی دانشگاه ها بودند. آنها در مقابل اینها تسلیم شدند. سیاستمداران امریکا گردن نهادند که تمام اقداماتی که انجام دادند به شکست برخورد.

انگیزه تمام دوستان یک اقدام اعتراضی بود که در همان چند ساعت اول محقق شد. اگر دانشجویها هم رها می کردند، مردم آنها را محاکمه می کردند که شما چرا بدون ما به ازایی آن ها را رها کردید؟ به نظر من ما به ازایی که امریکا داد و هنوز هم دارد می دهد، ریختن بنای ابهت پوشالی امریکا بود. این شیر کاغذی روی پرچم و دیوارها ماهیت کاغذی بودن خود را نشان داد و این هنوز ادامه دارد و جبران نشده است. امریکایی ها از همان ساعت اول به جای اینکه رفتارشان را تصحیح کنند، قدم های بدتری برداشتند.

اگر معادله ای را قرار بدهید که چه دادیم و چه گرفتیم، ما سودمان را از همان اول به صورت مرکب داشتیم. تحریم ها و بلوکه کردن اموال ما توسط امریکا از قبل از اینکه کسی با آنها کاری داشته باشد شروع شده بود و ربطی به سال های اخیر ندارد. تمام این کارها از سر عجز است و از روی خوی استکباری که هنوز عوض نکرده اند. اینها را در جاهای دیگری گفته ام و باز هم تکرار می کنم. بسیاری از تحلیل هایی که سیاسیون و مورخین و بعضی از افراد الان یعنی سسی و چند سال بعد از تسخیر سفارت دارند انجام می دهند، حرف های آن موقع شان را در بیاورید. بالاخره یا آن موقع نپختگی کردند و حرفی یا الان تغییر رویه داده اند. لانه در ۱۳ آبان ۵۸ اشغال شد، روزنامه های ۱۴ آبان به بعد را بخوانید. اطلاعات، کیهان، جمهوری اسلامی و... روزنامه هایی که بوده اند. حتی چریک های فدایی خلق و مجاهدین خلق که بعدها دست به اسلحه بردند و رویه روی نظام ایستادند، بیانیه هایشان را ببینید. همه از مردم سبقت می گرفتند. حتی نهضت آزادی و همین آقای دکتر ابراهیم یزدی، صفحه آخر کیهان چند روز بعد از تسخیر لانه را بخوانید. نه تنها تأیید می کردند، بلکه از هم سبقت می گرفتند و می گفتند حق امریکا بوده و دانشجویان ما خوب کاری کرده اند. بیانیه مکتوب می دادند و آنجا رژه می رفتند و می گفتند دست شما درد نکند. مرگ بر امریکا و به امریکا بد و بیراه می گفتند. حتی بعضی هایشان می گفتند کاش ما این کار را انجام داده بودیم. یعنی این علم ضد استکباری و ضد استعماری را که دانشجویان پیرو خط امام بدون هیچ چشمداشتی بالا بردند، آنها حسادت می کردند که چرا خودشان انجام ندادند. بیانیه هایشان را کنار هم بگذارید و تحلیل محتوا کنید.

■ می گویند سه روز را تأیید کردیم و بیشترش را قبول نداشتیم.

اصل حرکت را قبول کردند. ما هم بیشتر از آن بنا نداشتیم. مردم نمی گذاشتند. حمایت ها و رژه های مردم و به تعبیر من طواف دور لانه را ببینید کی قطع شد. فیلم ها و مستنداتش هست. بروید از آرشیو صداوسیما بگیرید و نگاه کنید. ۱۲ شب، ۲ نیمه شب، صبح، ظهر، شب، وقت و بی وقت می آمدند. گروه های مختلفی برای حفاظت از گروگان ها، تبلیغات و... درست شده بودند و در کنار اینها یک گروه هم برای تربیون درست شده بود. خدا رحمت کند بعضی چیزها را با صدای شهید رجب بیگی پخش کرده اند. اصلاً یک گروه و ساختاری برای مدیریت تربیون درست شده بود، بروید و ببینید از آن تربیون تا کی استفاده می شد؟ به نظر چندین ماه طول کشید. کسی رها نمی کرد و اگر رها می کردید حتماً مردم مؤاخذه تان می کردند.

■ اینکه می گویند آقای خوشنینی ها امام را دور زد قبول دارید؟

نه کسی می توانست امام را کانالیزه کند، نه می توانست ایشان را دور بزند. هر کسی که این ادعا را کرده خودش کانالیزه بوده. امام در حیات سیاسی خود از روزی که در قم یکه و تنها بودند تا تبعید تا پاریس و بعد از برگشتن به ایران آن چنان با قدرت، درایت و هوشیاری عمل می کردند که نظیر ندارد. مسیر امام را در صحیفه امام دنبال کنید. اگر توانستید چیزی پیدا کنید. امام حتی در وصیتنامه سیاسی الهی خود هم نوشته اند که چه چیزی درست است و چه چیزی درست نیست. کسانی که این ادعا را می کنند یا خودشان دور زده شده اند یا تغییر رویه داده یا پشیمان شده اند. گردن خودشان، چرا دیگر آن را به امام نسبت می دهند؟